



تهران : آذان ظهر ۱۱:۵۶ آذان مغرب ۱۸:۱۲ آذان صبح فردا ۴:۲۳ طلوع آفتاب ۵:۵۶

مشق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی خیابان فلسطین، کوچه برادران غفاری، پلاک ۲۶
تلفن: ۸۸۹۸۶۸۲۹-۲۷-۸۸۹۸۶۸۲۸
تلفن اکیه‌ها: ۰۲۱۷۶۷۳۷۰۸۸۷۶۷۳۷
امور مشترکین: تلفن: ۲۲-۸۸۸۱۴۲۳
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز
تلفن: ۵-۶۶۱۸۳۱۳۰
چاپ: گلرین
تلفن: ۶۶۸۰۶۲۷۶
www.sharhnewspaper.ir

روزگار دوزخی من

کاغذخوره

علیرضا امیرحاجبی

■ **اول:** گفتند که اولویت واردات کاغذ به ایران

در درجه پنجم است؛ در صورتی که موز در درجه سوم است. این حرف بسیار نشانه‌گذاری شده و جالب توجهی بود. نه اینکه بخوام کسی رو محکوم کنم یا مقصر را با انگشت اشاره به خوانندگان نشان بدهم. این وضعیت تقصیر هیچ کس نیست. دیگه کار از اتاق مدیریت کلیشه‌شده گذشته. بعد هم اصلا کسی گردن نمی‌گیره که بخوایم معرفی‌اش کنیم. اما بدی ماجرا اینه که اگر هم اشتباهه کشف شود کسی حاضر به عذرخواهی و جبران آن نیست. هیچ کس گویا اشتباه نمی‌کند. همه علامه دهر هستند. با ليسانس گرافیک سر از اتاق مدیریت کارخانجات چسب‌چوب درمیاره. با دکتری الهیات عضو هیات‌مدیره کارخانه موکت‌بافی شده. خب مشخصه که تصمیم‌گیری‌ها در بسیاری از موارد اشتباه از آب درمیداد. این طوری مصرف موز میره بالا و کاغذ توسی‌خور می‌شه. برای اجرای یکی از پروژه‌های چیدمان صوتی خودم رفتم یک مرکز هنری را به‌زارتا پارتی‌بازی و معرفی کردن و... مسوول محترم بعد از خواندن پیش‌طرح من گفت: «آقا خیلی عالیه. ایده جالبی است اما شما به فکر هزینه‌هاش هستید؟ کی متقبل می‌شه؟ کی می‌خواد حمایت کنه؟ اسپانسر دارید؟»
گفتم: «نه عزیز جان. هزینه‌اش به گردن خودمه.» مسوول مربوطه که واقعا هم انسان شریفی بوده و هست گفت: «یک مشکل کوچک وجود داره و اون اینکه ما در چند ماه آینده میزبان جشنواره آشپزی بانوان مناطق شرق هستیم و فعلا مقدر نیست برنامه شما رو میزبانی کنیم.»

این جملات را با ناراحتی می‌گفت. ناراحت بود از اینکه نمی‌تونه به یک پروژه هنری کمک کنه. اصلا شغلمش همینه که به هنرمندان کمک کنه. آدم باسوادی هم به نظر می‌رسید اما دستش بسته بود. در هر حال دوست شدم باهم. نتونستم مستقیم طرح رو مدون اعلام کنه و گفتم: «من طرح رو میدم به مدیریت مرکز تا تصمیم نهایی رو بگیرند. منتظر باش بهت زنگ می‌زنیم.» و دیگه هیچ تماسی با من گرفته نشد. فصل کارهای محیطی و چیدمان در فضای باز هم مشخصه. وقتی رو به فصل سرما بریم کار محیطی مخاطب رو اذیت می‌کنه و اینچنین یک سال رو از دست دادم. به همین سادگی. اعتراضی به جشنواره آشپزی خانم‌های خانه‌دار ندارم که همه مدیون این بانوان هستیم. با غذاهای خوشمزه ایرانی، آش بلغوره، آش رشته، شله‌زرد و...

چه بهتر از این. اما جرای این جشنواره‌ها مراکز بزرگ هنری نیست. فرهنگسراها و خانه‌های فرهنگ محله با تعریفی که از دهه ۷۰ به بعد برایشون شد جای مناسبی برای این کارهاست. ما هم می‌ریم غذاهای خوشمزه می‌خوریم و تشویق می‌کنیم. من واقعا نمی‌خواستم اقدام و درخواست کنم. دوستان گفتند: «آقدر بدبین نباش. ایده خوبیه. حتما قبول می‌کنند.» بیا تحویل بگیر این هم از ارایه ایده خوب که با آش شورپا برخورد کرد. البته این رو هم بگم یک طنز ظریفی هم در این داستان‌ها وجود داره که خودتون باید کشفش کنید چون من طنزپرداز نیستم.

دوم: دوستی زنگ زد و با عجله گفت: «آقا تو که گفته بودی هیچ‌کس غیر از خودت چیزی از نوشته‌ها و آثار ششوجی تریاما کارگردان اوانگارد ژاپنی ترجمه نکرده.» گفتم: «بله هیچ‌کس سراغ معرفی و ترجمه این هنرمند نرفته.» در جواب گفت: «جسای کاری! آقای فلاکی که مسوول فلان بخش اداره نمایش هم هست تو وب‌سایت خودش یک مقاله بلندبالا نوشته درباره تریاما.» رفتم وب‌سایت رو نگاه کردم دیدم یکی از مقالات من رو عین به عین کپی کرده گذاشته تو وب‌سایت فخرش. داشتم سکه می‌کردم از صصانیت. آقدر ناراحت بودم که رفتم جلوی آینه و ناخودآگاه و بر اساس یک واکنش عصبی و دفاعی شروع کردم به قیچی کردن ریش و سبیل‌هام. چه افتضاحی شد. مادرم گفت: «چی کار می‌کنی؟»

گفتم: «سر کسی رو گیر نیاردم پتراش، دارم ریش خودم رو می‌تراشم. این بهتر از اونه که کار با آقای مدبر به دعوا و کتک کاری بکشه.»

غریبه که نیستید آقدر بد قیچی زده بودم به سر و صورتم که از خجالت چند هفته‌ای از خونه نکون نخوردم. در اون چند هفته کلی موز خوردم و کاغذ سیاه کردم.

برداشت آخر

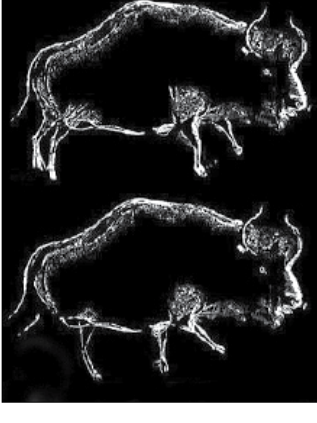
«غارنگاره» نخستین تلاش انسان برای لذت بردن از تصویر

«عصر حجر» با چاشنی سینما

شرق؛ شاید روزگاری تلقی اینکه نخستین انسان‌ها، به واسطه نگاه هنرمندانه به طبیعت اقدام به ثبت دیوارنگاره‌هایی بر غارها و صخره‌های محل زندگی خود کرده باشند، دور از واقع‌نگری به حساب می‌آمد اما امروزه پژوهشگران و محققانی که در این خصوص فعالیت می‌کنند به یافته‌هایی رسیده‌اند که نه تنها ثابت می‌کند این دیوارنگارها نخستین ردپاهای طراحی و نقاشی در تاریخ بشر است بلکه برخی از هنرمندان غارهای پیش از تاریخ، از شیوه‌های کارتنی‌شکل برای القای حس تحرک به تصاویر خود روی دیوارهای غارها استفاده می‌کرده‌اند.

غارها در فرانسه

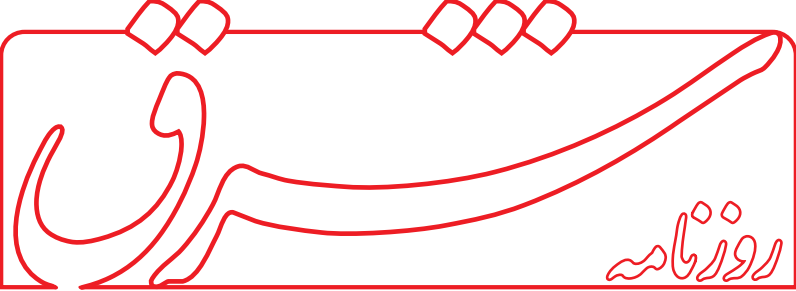
تا به امروز غارنگارها و صخره‌نگارهای فراوانی در اقصی‌نقاط جهان کشف شده‌اند که نمونه‌های این نگارها در فرانسه، اسپانیا و ایران از شهرت بسزایی برخوردارند. یکی از مشهورترین این مجموعه نگارها در «لاسکوهی» فرانسه قرار دارد. لاسکوهی نام مجموعه‌ای از غارهای واقع در جنوب‌غربی فرانسه است که به دلیل وجود غارنگارهایی در آن که به دوران پارینه‌سنگی می‌رسند، نامدار است. غارهای اصلی در نزدیکی روستای «هونتینیاک» در شهرستان «وردون» قرار دارند. درون این غارها تعدادی از بهترین هنرهای دوره پارینه‌سنگی نوین وجود دارند. غار لاسکوه در دوازدهم سپتامبر سال ۱۹۶۰ توسط چهار نوجوان کشف شد اما مجموعه غار در سال ۱۹۴۸ برای بازدید همگان گشوده شد. در ۱۹۵۵، دی‌اکسیدکربنی که توسط هزار و ۲۰۰ بازدیدکننده در روز تولید می‌شد به وضوح باعث آسیب‌دیدن چندین نگاره شده بود و سرانجام غار در سال ۱۹۶۳



روی بازدیدکنندگان بسته شد تا آثار هنری آن بازسازی شوند. پس از آنکه غار بسته شد، نقاشی‌ها به شکل طبیعی و آغزین خود برگردانده شدند. مجموعه اتاق‌های درون این غار با نام‌های «سرسرای گاوها»، «گذرگاه»، «دودکش»، «سالن کلیسا»، «مومعه» و «اتاق گربه‌سانان» نامگذاری شده‌اند. «صومعه» و «اتاق گربه‌سانان» نامگذاری شده‌اند. و حالا پس از ۷۲ سال از کشف این مجموعه غارها، محققان دانشگاه «میریل تولوز» فرانسه پژوهشی جدید را در مورد هنرهای غار در فرانسه که در آن حیوانات از چندین اندام، سر و دم برخوردارند منتشر کرده‌اند که نشان می‌دهد این نگارها در حقیقت نوعی تلاش اولیه برای انیمیشن بوده‌اند. این یافته‌های شگفت‌انگیزی که توسط «مارک آزما» و «فلورنت پوری» در مجله Antiquity منتشر شده است، بیان می‌کند هنگامی که به این تصاویر در زیر نور ناپایدار شعله‌های در حال سووسو نگاه می‌کنید، آنها به نظر شبیه حیوانات متحرک هستند. همچنین باورها بر این است که آثار ماقبل تاریخ که پیش از این تصور می‌شد به عنوان دکمه یا اویز مورد استفاده بوده‌اند، در حقیقت به عنوان توپ‌انزوب تصاویر دوپه‌رحر خشی برای تبدیل تصویر به انیمیشن) طراحی شده‌اند.

این محققان مدعی شده‌اند که انسان ماقبل تاریخ از آن زمان از ابداع سینمایا ایجاد هنر با یک درک ابتدایی از اصل تداوم دید خبر داده است؛ اکنون و پس از ۲۰سال پژوهش در مورد شیوه‌های انیمیشن عصر حجر، ۵۸ نگاره را در ۱۲ در فرانسه شناسایی کرده که بر دو یا چند تصویر برای القای حس حرکت افزوده شده‌اند. این تصاویر به نمایش حیوانات در حال رافرفتن، دویدن، تکان دادن سر یا دم پرداخته‌اند. به گزارش دیسکاور، غار Lascaux در جنوب غرب فرانسه از بیشترین تعداد نگارهای دارای حرکت با افزودن تصاویر متوالی برخوردار است. حدود ۲۰ حیوان و بیشتر اسبها از چندین اندام برخوردار هستند که در نور سووسوزنده مانند تاثیر انیمیشن عمل می‌کنند. این محققان از کشفی در مورد استفاده از صفحات حکاکی‌شده‌یاستانی به عنوان «توماترپ» که پیش از این تصور می‌شد در سال ۱۸۵۵ توسط «جان هرشل»، ستارشناس ابداع شده، برای پشتیبانی از نظریه جالب خود استفاده کرده‌اند.

توماترپ به معنی چرخ جادویی که یک اسباب محبوب در دوره ویکتوریایی بوده، در حقیقت صفحات یا کارت‌های دارای تصاویری در هر سوی آن بودند که به یک نخ متصل شده بودند. با چرخاندن این نخ میان انگشتان، دو تصویر با یکدیگر در یک تصویر انیمیشن ترکیب می‌شوند. برای کلمه انیمیشن هم تا به امروز معادل‌های فارسی، اعم از «جان‌بخشی» و «متحرک‌سازی» که نظر گرفته شده است، Animation از ریشه یونانی Anima به معنی «جان» گرفته شده که هیرشده با «هف» و «انفیه» به معنای باد و نفس است. این خود مبنای اعتقادی در اندیشه باستان داشته است، چراکه آنان برای هر چیزی قابل به جان بودند و محمل آن را باد می‌دانستند. در این طرز تفکر، تمامی اشیا نیز جان داشته‌اند. در واقع، واژه «طبیعت جان» از قرن ۱۸ میلادی به کار رفته است. پیش از آن، طبیعت را جاندار می‌دانستند. در تفکر عرفانی و ادبیات ایرانی نیز از کلماتی چون «جان و جهان» و «جانان» بهره فراوان گرفته شده است. در متون هند باستان، «آتما» به جان و روان تعبیر شده و نیرویی است که در نهاد و سرشت آدمی وجود دارد. جالب توجه است که آتما در تمامی عناصر و اشیا ساری است و روح اعظم یا منبع کلی آتما یا جان، در واقع همان چیزی است



چهارشنبه ۵ مهر ۱۳۹۱ - ۹۱دی‌القعده ۱۴۲۲ - ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۲ - سال دهم - شماره پیاپی ۱۶۴۶ - شماره ۷۱۲ دوره جدید - ۳۰صفحه

آخرین مجموعه شعر «بروسان» در راه است

ایسنه: آخرین مجموعه شعر غلامرضا بروسان بعد از بازنشر مجموعه شعر «هنرهای درختی که به پهلوه افتاده است»، با مقدمه شمس لنگرودی یا محمدباقر کلاهی‌اهری منتشر می‌شود. حسین بروسان - برادر مرحوم بروسان - گفت: چاپ دوم این کتاب در بازار تمام شده بود و نشر مروارید، تصمیم گرفت ابتدا این مجموعه شعر به چاپ سوم برسد و بعد از آن، آخرین مجموعه شعر برادرم را به چاپ برساند. مجموعه شعر «در آب‌ها دری باز شد» شعرهای منتشرنشده غلامرضا بروسان است.

نگاه

در سرای «کلارا خانس»

علی‌اصغر محمدخانی

■ در هفته آخر شهریورماه برای شرکت در چند برنامه اجسی و فرهنگی در مادرید حضور داشتم و فرصتی فراهم شد تا با چند نفر از شاعران، نویسندگان و پژوهشگران دیداری داشته باشم. عصر روز دوشنبه ۲۷شهریور برای دیدار با شاعر و مترجم برجسته اسپانیایی، به منزل کلارا خانس رفتم. در این دیدار خانم دکتر نجمه شبیری، مدیر گروه اسپانیایی دانشگاه علامه طباطبایی و احمد طاهری، مترجم و همکار خانم کلارا خانس در برگردان آثار ادبیات فارسی به اسپانیولی، حضور داشتند. کلارا خانس تنها در خانه‌ای در مرکز شهر مادرید زندگی می‌کند که دیوارهای آن پوشیده از کتاب و تابلوهای نقاشی و آثار هنری است. با بالکنی زیبا که گلدان‌ها و درختچه‌های کوچک و شاداب، شکوهی خاص به آپارتمان کوچک او داده است. خانس از برجسته‌ترین شاعران معاصر اسپانیایی است که بیش از ۲۰ مجموعه شعر از او منتشر شده است و اشعارش به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، ایتالیایی، چک، مجار، یونانی، صرب، کروات، مقدونی، ترکی، عربی و فارسی ترجمه شده است و با ادبیات معاصر فارسی نیز به خوبی آشناست و با احمد شاملو دوستی داشت و نامه‌های بسیاری به یکدیگر نگاشت‌ه‌اند که برخی از این نامه‌ها منتشر شده است. خانس، شاملو را شاعری بزرگ می‌داند که عظمت او غیرقابل انکار است و شعرش را با شکوه، فحیم و پرصلابت می‌داند. خانس، شعر و موسیقی و عشق و هنر را بهترین هدیه‌ها در این دنیا می‌داند و از سیاست بسیار پرهیز می‌کند. خانس ۷۲ساله که در سال ۱۹۴۰ در بارسلون به دنیا آمده و در دانشگاه بارسلون ادبیات و تاریخ آموخته و مطالعاتش را در کمبریج انگلستان و دانشگاه‌های فرانسه و ایتالیا پی گرفته است، هنوز مانند شاعر و مترجمی جوان، روزانه بیش از ۱۰سال می‌نویسد و ترجمه می‌کند. وقتی به خانه‌اش وارد شدم، کتاب منطق‌الطیر عطار با تصحیح دکتر شفیعی کدکنی در دستش بود و می‌گفت که مشغول ترجمه منطق‌الطیر به اسپانیولی است. خانس، عطار را یکی از شاعران بزرگ جهان می‌داند و اسرارنامه او را نیز به اسپانیولی برگردانده است. او منطق‌الطیر را یکی از شاهکارهای ادبیات جهانی می‌داند که عطار در این اثر همه هنرها و نبوغ و اندیشه‌اش را منعکس کرده و شاعری باهوش، کامل و نابغه است که بحث پرندگان او در منطق‌الطیر بسیار جذاب و عمیق و والااست که اوج کار هنری است و در ادبیات جهانی جلوانده خواهد ماند. خانس آثار دیگر بزرگان ادب فارسی مانند مولانا، حافظ، ابوسعید ابوالخیر، فردوسی، خواجه عبدالله انصاری و خیام را به اسپانیولی برگردانده و گزیده شاهنامه او که از تولد زال تا مرگ سهراب را در بر دارد در سال جاری به صورتی بسیار نفیس در اسپانیا منتشر شده که با احمد طاهری کار ترجمه آن را انجام داده است.

خانس از ادبیات معاصر فارسی نیز اشعار سهراب سپهری، فروغ فرخزاد، نیما یوشیج، احمد شاملو و عباس کیارستمی را به اسپانیولی ترجمه کرده و می‌گفت که اشعار سپهری و کیارستمی بسیار با استقبال روبه‌رو شده است و کتاب «همراه با یاد» کیارستمی در هفته اول انتشار، جزو پرفروش‌ها در اسپانیا بوده است.

از خانس درباره شعر امروز اسپانیولی پرسیدم که اشعار کدامیک از شاعران اسپانیایی را برای ترجمه به فارسی مناسب می‌داند؟ خانس به آنتونیو گاموندا، خنارو تالئس و خوسه ماریا کابایرو بونالد اشاره کرد و گفت که آثار آنتونیو گاموندا تا ۲۰هزار تیراز و شعر او با اندیشه پیوندی عمیق دارد.

از خانس پرسیدم که چطور شد که به شعر فارسی علاقه‌مند شدید؟ خانس گفت که از طریق موسیقی و کنسرت شهرام ناظری بود که به مولانا، عطار و شعر فارسی و جست‌وجو برای بررسی آثار و اشعار آنها و معرفی آن به جهان اسپانیولی زبان علاقه پیدا کردم. خانس در بسیاری از جشنواره‌های است و اشعار او را به اسپانیولی ترجمه کرده است. با حلاج و ابوسعید ابوالخیر همدم است. خانس تعریف می‌کرد که زمانی در مراکش بودم و تازه سخنرانی‌ام را درباره شعر صوفیانه به پایان برده بودم که پسری که به سویم آمد با گلی در دست به رنگی که تا به حال ندیده بودم، رنگی سرح و سوزان شبیه پوست انار، از او پرسیدم این چه گلی است؟ پسر گفت: در خیلی از باغ‌ها دنبال آن گشتم این همان کاری است که شما کردی که جلوی چشم‌هایمان فرهنگ‌های دور و کهن را ظاهر کردی. این همان گل سرخ حلاج است. کلارا خانس مردم اسپانیا را با ادبیات کهن و امروز فارسی آشنا کرده است و تلاش‌های او در این راه ستودنی است. قدر زحماتش را می‌دانیم و تلاش‌هایش را ارج می‌نهیم.

■**معاون فرهنگی و بین‌الملل شهر کتاب**



احسان گنجی

ehsanganji58@gmail.com



کلبه مشاهیر

«فرانتس لیست» وگرافافون قرن نوزده

سالن نسبتاً بزرگی خواهیم داشت. دیوارهای اتاق نشیمن و روکش مبل‌ها با رنگ‌آمیزی آبی و چوب‌های گردوی تیره، فضای بسیار آرام و دلچسبی را به وجود آورده‌اند. سالن موزیک که دو اتاق دیگر این طبقه را شامل می‌شود، درست همان‌طور که در زمان اقامت «لیست» بوده، چیده شده است؛ حتی اگر به شومینه اتاق نگاه کنید، به‌نظر می‌رسد، هیزم‌های درون آن شب تا صبح سوخته‌اند. «لیست»

آخرین سال‌های زندگی خود را در «وایمار» کنار دخترش «کوزیما» و «وگنر» گذراند و از آنها حمایت می‌کرد اما مرگ زودتر به سراغ «وگنر» آمد و مرگ او بخلاً بزرگی در زندگی «لیست» و دخترش به وجود

آورد. در این موزه ابتدا مختصری از زندگی و بیوگرافی «لیست» را دیده و می‌توانید به ویدیو - پروجکت‌ها نگاه کنید و بعد از مجموعه دست‌نویس‌های «لیست» از مدال و نشان‌های دریافتی او و مجسمه‌ها و پرت‌هایی که از او در این مکان جمع‌آوری شده‌دیندین کنید. خانه محل تولد «فرانتس لیست» در شهر «آیدینگ» (اتریش) خشیابان لیست» شماره ۴۶ (- Liszt

خانه «فرانتس لیست» در شهر «وایمار» (آلمان)، خیابان مارین، شماره۱۷ (Marienstraße) بازسازی و مرمت شده. عکس‌های قدیمی نشان می‌دهند که موزه فعلی تا چندر شبیه به دوران زندگی «لیست» بازسازی و نگهداری می‌شود. در سالن خانه، «لیست» پیانو خود را طوری در وسط قرار می‌داد و پشت آن می‌نشست که خانه شبیه تماشخانه کوچکی می‌شد و مردم علاقه‌مند دسته‌دسته برای شنیدن نوا ی ساز او به این خانه می‌آمدند. در خانه روی هر کسی که به شنیدن موسیقی علاقه داشت باز بود. او از نواختن و داشتن میهمان لذت می‌برد. اینجا در واقع سه اتاق است که به یکدیگر وصل هستند و اگر درهای بین اتاق‌ها را باز کرده و درهای آویخته کناری را بشنود، می‌تواند

نوشین پیروز



پدر «فرانتس لیست» پیانو، ویلن و سل و گیتار می‌نواخت. او نواختن پیانو را در هفت سالگی به پسرش آموخت، اما در هشت سالگی آقدر بچه در نواختن پیشرفت کرده بود که روزی از کارش مرخصی گرفت و با پسرش به وین رفت تا «پتهوون» را ببینند. «پتهوون» یا شنیدن صدای نواختن «فرانتس» پیشانی او را بوسید و او را تشویق به نواختن کرد. «فرانتس

لیست»، یک نوازنده معمولی نبود، او یک نابغه موسیقی تمام‌عیار بود که تمام مشاهدات خود از طبیعت، افراد و اشیایی که می‌دید، با زبان موسیقی بیان می‌کرد. پیشانی نقاشی در ایران را برطرف کرد. فیلد و دو هم‌راهش اولین بار صحنه‌های رزم و شکار با تیر و کمان را دیدند. این غارها پر بودند از تصاویر حیواناتی چون اسب، گوزن، بزکوهی، سگ و... که روی سنگ‌ها و صخره‌ها اجرا شده بودند. بعدها منتقدان و تاریخ‌نگاران هنر، این آثار را از جمله قدیمی‌ترین آثار نقاشی در ایران به حساب آوردند»

جدای از غار «میرملاس» که در کوه «سرسرخ» و در فاصله حدود ۳۰کیلومتری شهر کوه‌دشت قرار دارد غارهای فراوان دیگری از جمله غارهای «گنجی»، «بختانه» و «رومشکان» هم دارای نگاره‌هایی دیدنی هستند. اما یکی از نادر غارهایی که ادعا می‌شود قدیمی‌ترین اثر هنری ساخت بشر با ۴۰هزار سال قدمت در آن موجود است غار «یافته» در ۵کیلومتری جنوب‌غربی خرم‌آباد است. محمد ناصری‌فرد متخصص نقوش صخره‌ای و نویسنده کتاب‌های «سنگ‌نگاره‌های ایران» و «موزه‌های صخره‌ای هنرهای سنگی» در گفت‌وگوی که پیش از این با «شرق» داشته گفته است: «سنگ‌نگارهای رنگین کشف‌شده در غار «یافته» در استان لرستان دست‌کم متعلق به ۴۰هزار سال پیش است(» وی همچنین اذعان داشته است که «پروفیسور مارسل Ot (Professor Marcel Ot) استاد پیش از تاریخ دانشگاه لیز در بلژیک در بازدیدی که از این غار داشت و روی این آثار آزمایش کربن-سنجی و سن‌سنجی انجام داد نیز با قاطعیت سنن دقیق آنها را به ۴۰هزار سال پیش مربوط دانسته است.»

نتیجه

با توجه به یافته‌های اخیر محققان فرانسوی مبنی بر تلاش انسان اولیه در خصوص به دست دادن تصویری انیمیشن‌گونه با دیوارنگاره‌هایی که در غارهای لاسکوهی فرانسه به دست آمده، باید دید محققان با بررسی غارنگاره‌های میرملاس و یافته از زاویه دید جدید، آیا ردپای سینمای مدرن را در این آثار هنری بازمانده از پیشینیان ما هم خواهند یافت یا نه

انتشار چاپ چهارم کتاب «گفت‌وگو درباره عقلانیت و نوگرایی»

کتاب «گفت‌وگو درباره عقلانیت و نوگرایی» که دربردارنده گفت‌وگوهای محمد صادقی (روزنامه‌نگار) با اندیشمندی همچون؛ محمدعلی اسلامی‌نوشن، مصطفی ملکیان، محمدعلی‌هماپون کاتوزیان، زنده‌یاد پرویز رجیبی، جان اسپریتوز و سیدحسین نصر

پیشخوان

